

Investigating the Causes and Factors of Reducing Political Participation in the Elections of the 11th Term of the Islamic Consultative Assembly

Abdulmuttalib Abdullah*

Parviz Tavakolnia**

Abstract

Translation results Participation in the elections of the 11th term of the Islamic Consultative Assembly is not only less than the previous 10 terms, but also less than other elections in the country. Accordingly, the present study has been prepared with the aim of application and analytical-descriptive method through exploratory studies. In order to measure the effectiveness of each of the indicators, 30 experts were selected to form and form a target group of experts, consisting of university professors and experts. Analysis of data from research indicators using SPSS software showed that the decrease in participation in the 11th parliamentary elections was not a single cause and a combination of different causes and factors intertwined and affected in different areas with different impact. Is. Indicators of indifference and shortcomings of the 10th parliamentarians in the face of slogans and claims of representation, non-institutional political election competition based on the idea of eliminating rivalry between political parties and factions, indecision of CFT and Palermo bills and non-membership in the FATF limit Their preferred candidates, the recognition of elections and sanctions, and their consequences have

* Associate Professor, Department of Islamic Studies, Allameh Tabatabai University (Corresponding Author), abdollah_ab@yahoo.com

** Doctorate in political science, shahreza beach of azad university, Isfahan, tavakolnia1@yahoo.com

Date received: 10/08/2021, Date of acceptance: 15/11/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

had the greatest impact on the economy, politics, and the cost of running the country.

Investigating the causes and factors of reducing political participation in the elections of the 11th term of the Islamic Consultative Assembly.

Keywords: Elections, participation, competition, parliament, parties, corona.

بررسی علل و عوامل کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی

عبدالمطلب عبدالله*

پرویز توکل نیا**

چکیده

مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی نه تنها از ۱۰ دوره قبل خود، بلکه از دیگر انتخابات کشور هم کمتر است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف کاربردی و روش تحلیلی - توصیفی، از طریق مطالعات اکتشافی تنظیم شده است. به منظور سنجش میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها مبادت به تعیین و تشکیل گروه هدف خبرگان متشکل از اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران به تعداد ۳۰ نفر نمود. تجزیه و تحلیل داده‌های شاخص‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS نشان داد، کاهش مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم تک علتی نبوده و تابع ترکیبی از علل و عوامل مختلف در هم تنیده و متأثر از هم در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف با میزان تأثیر متفاوت است. که شاخص‌های بی‌تفاوتی و کوتاهی نمایندگان مجلس دهم در قبال شعارها و ادعاهای نمایندگی، رقابت سیاسی انتخاباتی غیر نهادمند مبتنی بر ایده تکاپوی حذف رقیب و ستیز بین احزاب و جناح‌های سیاسی، بلا تکلیفی لایحه‌های CFT و پالرمو وعدم عضویت در FATF، محدودیت رأی دهندگان درگزینش نامزدهای مطلوب خود، تشریفانی دانستن انتخابات و تحریم‌ها و تبعات آن بر اقتصاد و سیاست و هزینه اداره کشور بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

* دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، abdollah_ab@yahoo.com

** دکترای تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد شهرضا، اصفهان، tavakolnia1@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: انتخابات، مشارکت، رقابت، مجلس شورای اسلامی، احزاب و جناح‌های سیاسی، کرونا، اقتصاد.

۱. مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و مشارکت ۹۹/۲ درصدی در همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی و در پی آن ورود انتخابات مختلف به ساختار سیاسی، حقوقی و عملیاتی نظام جمهوری اسلامی مطابق اصل ششم قانون اساسی و برگزاری دوازده دور انتخابات ریاست جمهوری با میانگین مشارکت (۶۶/۶۱ درصد). یازده دور انتخابات مجلس شورای اسلامی با میانگین مشارکت (درصد ۶۱/۰۸). پنج دوره برگزاری انتخابات خبرگان رهبری با میانگین مشارکت (۵۶/۷۱ درصد). پنج دوره برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا با میانگین مشارکت (۶۱/۵۷ درصد). و چهار همه‌پرسی تغییر رژیم با مشارکت (درصد ۹۸/۰۰). خبرگان بررسی نهایی قانون اساسی با مشارکت (۵۱/۷۱ درصد). همه‌پرسی تایید قانون اساسی با مشارکت (۷۵/۲۳ درصد) و بازنگری قانون اساسی با مشارکت (۵۴/۵۱ درصد) و سطح بالای میزان مشارکت سیاسی در هر از یک انتخابات فوق در مقایسه با انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی. باعث شد تا حساب ویژه‌ای بر روی مشارکت مردم در انتخابات مختلف باز شود و مشارکت در انتخابات هم‌گردونه‌ی انتخابات و هم‌هدف انتخابات شود.

مشارکت در انتخابات به این جهت که نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مشارکت حداکثری و رأی مردم پایه‌گذاری و خواستگاه مردمی دارد. به منزله‌ی حمایت از نظام سیاسی و مشروعیت و مقبولیت آن محسوب می‌شود. و سطح بالای مشارکت در انتخابات نیز حاکی از برگزاری انتخابات رقابتی، آزاد و عادلانه است. مشارکت در انتخابات در مقایسه با دیگر وجوه و جنبه‌های مشارکت سیاسی عمومی قابل‌سنجش به صورت عملی و به شکل کمی آن است. مشارکت در انتخابات از این جهت که در سطح نمایان جامعه سنجش برآیند گرایش‌های نهفته در عمق جامعه تلقی می‌شود از اصول مهم و مورد توجه در برگزاری انتخابات است (توکلی‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۴). بنابر دیدگاه گاستون بوتول (Gaston Bouthou) آرای عمومی وسیله‌ی شناختی برای دولت مردم‌سیاسی به ویژه آشکارکننده‌ی شکایت‌های مردم و اشتیاق آنان به آن است (بوتول، ۱۳۷۱، ۱۲۴).

کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی^۱ هر چند بنا بر شرایط محیطی خاص و بی سابقه کشور در سطوح داخلی، منطقه ای و بین المللی و تحمیل تحریم ها و شیوع بیماری کرونا و مشکلات اقتصادی و معیشتی جامعه و دیگر علل و عوامل از ابتدا تا حدودی قابل پیش بینی بود. اما مسئله اساسی کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی این است که دیگر انتخابات کشور هم در حد و حدود چنین وضعیت و شرایطی برگزار شده اند. ولی با چنین کاهش مشارکت مواجه نبوده اند. و تبدیل شدن کاهش مشارکت انتخابات مجلس یازدهم به یک رویه در دیگر انتخابات کشور بر اثر تداوم شرایط فعلی و تصویری روشن از شرایط، فضا و زمینه‌ای که انتخابات در آن برگزار می شود و عدم سیاست ورزی معطوف به مشارکت در انتخابات است. بر همین اساس اهمیت و ارزش این مقاله در تعیین علل و عوامل کاهش مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم و میزان تأثیر هر یک از آنها بر کاهش مشارکت است. چنانچه مشارکت در انتخابات و رأی دادن از مؤلفه های اساسی رفتار سیاسی شهروندان بدانیم، بررسی علل و عوامل مؤثر بر کاهش میزان حضور مردم در پای صندوق های رأی نیز از جمله مطالعه ی مشارکت سیاسی در انتخابات محسوب می شود، بخصوص آنکه انتخابات بنا بر ذات و ماهیتی که دارد؛ پدیده ای چند وجهی و معطوف به قدرت و حاصل بازی قدرت و داد و ستد سیاسی است. دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است. که هر یک بر انتخابات تأثیر می گذارند و از آن تأثیر می پذیرند. بر این اساس هدف از مطالعه کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی خوانش بررسی متون و منابع مکتوب و تعیین شاخص های کلیدی علل و عوامل کاهش مشارکت در حوزه ها و زمینه ها مختلف و به دست دادن داده های ناشی از آن است.

مقاله پیش رو صرفاً یک پژوهش علمی می باشد که بنا بر ضرورت و اهمیت توجه به علل و عوامل مؤثر در کاهش مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم پرداخته شده است. ضمن اینکه نوسان در مشارکت (افزایش و کاهش) از الزامات انتخابات و افزایش و کاهش غیر معمول و ناگهانی به هر علت و منشاء قابل تأمل و نیاز به بررسی و تحلیل واقع‌گرایانه می‌داند. در چارچوب ادبیات پژوهش پس از تعاریف مفاهیم و نظرات بکاررفته و مرور برخی از مطالعات صورت گرفته به نتایج پیمایش داده های حاصل از

هریک از شاخص های علل و عوامل موثر در کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی و تعیین و مشخص نمودن میزان نقش آنها بر مشارکت است. در نهایت نیز بر اساس داده های بدست داده از شاخص های تحقیق، نتیجه گیری می نماید.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱.۲ مفاهیم به کاررفته در پژوهش

۱.۱.۲ انتخابات (Elections)

از انتخابات مانند هر اصطلاح سیاسی - اجتماعی دیگر تعاریف مختلفی که هر یک ناظر بر جوهی از انتخابات می باشند وجود دارد. از نظر اصطلاحی انتخابات رایج ترین واژه ی سیاسی به شمار می آید. که پیوند عمیق مشارکت سیاسی با نظام های دموکراتیک و مردمی را دارد (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۶). انتخابات یک فرایند تصمیم گیری رسمی است، که طی آن مردم یا بخشی از مردم «واجدین شرایط رأی» (Eligible to vote) برای اداره ی عمومی خود شخص یا اشخاصی را برای مقامی رسمی و برای مدت معلوم از طریق رأی و شرکت در انتخابات بر می گزینند، که از طریق آن اراده ی شهروندان در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی دخیل داده می شود (قاضی، ۱۳۸۲: ۶۷۹). انتخابات با رأی مردم که اساس و جوهره انتخابات است، عینیت می یابد. لذا حد و میزان رأی نیز معرّف تعریف انتخابات است. «رأی (vote) بنا به تعریف عملی تشریفاتی و حقوقی است که شهروندان با انجام آن، طبق ضوابط و شرایط قانونی به گزینش نماینده یا نمایندگان می پردازند» (قاضی، ۱۳۸۲: ۶۸۶). در مقابل اگر بدون رأی دادن شخصی را به مقامی گمارند این را انتصاب گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۳۶). نهاد انتخابات نیز به مجموعه ای از فرایندهایی است. که بر اساس آن، نماینده و یا نمایندگان مردم در نهادهای حاکمیتی و اداره ی امور عمومی برگزیده می شوند. بر این اساس، قوانین و مقررات انتخابات مشتمل بر ضوابطی می باشند که فرایندهای مزبور را تنظیم کرده و حقوق و تکالیف مردم و نهادهای اجرایی و نظارتی انتخابات را در ارتباط با انتخابات و یکدیگر مشخص می کند. (زرافشان، ۱۳۹۴: ۱)

۲.۱.۲ کارویژه‌های انتخابات

انتخابات دارای کارویژه‌هایی است، که بنا به تعریف عبارت از کارکردها و کارهایی است، که انتخابات انجام می‌دهد، یا زمینه‌ی انجام آنها را فراهم می‌کند. یا سبب انجام آنها خواهد شد (ریچارد رز، ۱۳۹۰: ۵۳۲). بر این اساس اولین و اساسی‌ترین کارکرد انتخابات در جمهوری اسلامی ایران تأسیس ساختارهای نظام سیاسی است. که در اولین سال پیروزی انقلاب در چندین همه‌پرسی و انتخابات تجلی یافت (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

۱. قاعده مندی قدرت سیاسی، کنترل قدرت سیاسی، نهادینه سازی قدرت سیاسی، مشروعیت بخشی و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی (خسروی، ۱۳۸۸: ۱۸۲).
۲. ثبات سیاسی و نهادمندی سیاسی (خسروی، ۱۳۸۸: ۱۸۷).
۳. انتخاب وگزینش‌گری و تسهیل در چرخش‌نخبگان، یا به عبارتی بازسازی و اصلاح هرم قدرت سیاسی به شکل مسالمت آمیز (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۴).
۴. خلق فضایی به منظور تضارت آراء و اندیشه‌ها «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (قرآن کریم سوره زمر آیه های ۱۶ و ۱۷).
۵. ابزاری به منظور بازسازی و ترمیم مشروعیت سیاسی و خود ترمیمی در سیستم سیاسی در مقاطع مختلف یک نظام سیاسی (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۱۰).
۶. خلق یک نظام اقتاعی با استعمال و ترویج ادبیات وفاق و بهره‌گیری از آن (رضازاده، ۱۳۹۶: ۱۱).
۷. تعامل در عرصه یک نظام اجتماعی به منظور اجماع سیاسی در مشارکت سیاسی و تحکیم مناسبات میان دولت و ملت (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۱۳).
۸. قاعده مند نمودن تصدی پست‌های عمومی و انتخاباتی (رضا زاده، ۱۳۹۶: ۱۶).
۹. فرهنگ سازی سیاسی، به این معنی که فرهنگ سیاسی تحول پذیر است، و شیوه‌ی عملکرد ساختار قدرت و نحوه انتقال و جابجایی قدرت بر آن تأثیر می‌گذارد (قاضی، ۱۳۷۱: ۳۱۰).
۱۰. ترغیب فرد باوری و عقلانی سازی رفتار جمعی (قنبریان، ۱۳۸۴: ۴۱).
۱۱. ایجاد و تقویت قدرت نرم و در نتیجه‌ی آن ایجاد امنیت نرم (توکل‌نیا، گلشنی، آذین، ۱۳۹۹: ۳). از دیگر کارکردهای انتخابات می‌باشند

۳.۱.۲ مشارکت و رقابت انتخاباتی (Electoral Participation)

مشارکت انتخاباتی از انواع مشارکت متعارف می باشد، که در چارچوب قوانین و مقررات رسمی یک کشور انجام می پذیرد و به معنای شرکت در هرگونه انتخابات و رأی دادن در آن است (عبدالمطلب، عبدالله و سید امامی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). مشارکت انتخاباتی یکی از انواع مشارکت سیاسی (Political Participation) است (راش، ۱۳۸۸: ۱۲۶؛ میلبرات و گوئل، ۱۳۸۶: ۴۰). در تعریف مشارکت سیاسی رابرت الن دال (Robert A. Dahl) در کتاب تجزیه و تحلیل جدید سیاست، مواردی نظیر شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، شرکت در انتخابات محلی و فعالیت برای یک نامزد یا حزب در طول انتخابات را مشارکت سیاسی می داند (مصفا، ۱۳۷۵: ۳۶).

تعاریف گوناگون از مشارکت سیاسی نشان از عدم اجماع نظر در مورد تعریف واحد از مشارکت، شاخص ها و مولفه های این پدیده است (هلسوم، (Heelsum) ۲۰۰۲: ۱۸۲). سلیز (Sills) مشارکت سیاسی را فعالیت ارادی می داند، که از طریق آن اعضای جامعه به طور مستقیم یا غیر مستقیم در انتخاب حاکمان و در شکل دادن به سیاست عمومی سهیم می شوند (سلیز، ۱۹۶۸: ۲۵۲). گیدنز مشارکت سیاسی را به مثابه یک حق سیاسی می داند. و در تعریف «حقوق سیاسی» می نویسد «حقوق مشارکت سیاسی، مانند حق رأی در انتخابات ملی و محلی است که شهروندان ملی و محلی دارا می باشند» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۸۱).

چگونگی دخالت مردم در تصمیم گیری های سیاسی و مشارکت در اداره امور جامعه از مباحثی است. که قدمتی دیرینه دارد. با وجود فراز و نشیب هایی که طی قرن ها تا به امروز به خود دیده است. هم چنان بهترین روش در سهیم شدن در قدرت سیاسی و تأثیرگذاری بر آن است. بنابر اهمیت مشارکت سیاسی، ارسطو آن را محور زندگی سیاسی دانسته است. و به عنوان امری اساسی برای شهروندان، ملت ها و دولت ها از آن یاد می کند (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). مشارکت سیاسی از مصادیق مهم حقوق بشر و مشارکت فعال مردم در سطوح گوناگون تصمیم گیری و سیاست گذاری و در باره ی تعیین سرنوشت خود می باشد» (عالم، ۱۳۶۸: ۲۰۳). مشارکت در انتخابات به عنوان یک نوع مشارکت هدفمند چنانچه نتواند اثر بخش و منجر به برآورده شدن انتظارات حاصل از مشارکت که همانا ایجاد توسعه و تغییر شرایط و منتخبین پاسخگو شود. به بی تفاوتی شرکت در

بررسی علل و عوامل کاهش ... (عبدالمطلب عبدالله و پرویز توکل نیا) ۱۵۳

انتخابات شکل می گیرد. به نظر رابرت دال هر چه احساس اثر بخشی سیاسی فرد از مشارکت کمتر شود، امکان مشارکت سیاسی او به این دلیل که نمی توانند از طریق مشارکت بر فرایند سیاسی اثر بگذارند، کمتر و در نتیجه نسبت به مشارکت در سیاست بی تفاوت خواهد شد. (دال، ۱۳۶۴: ۹۹).

مشارکت سیاسی به طور کلی نیاز به شرایط مساعد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد، در صورت فراهم شدن آنها امکان شکل گیری و ادامه آن وجود دارد (ازغندی، ۱۳۷۶: ۴۰۴-۴۰۸). رقابت سیاسی نهادمند و مسالمت آمیز در انتخابات یکی از پیش زمینه های مهم رشد سیاسی یک جامعه و ضامن حفظ وحدت وجودی آن جامعه است. امکان گسترش و فراهم نمودن بستر و رقابت مسالمت آمیز سیاسی بین کاندیداهای انتخابات و احزاب و جناح های سیاسی سبب ساز مشارکت در انتخابات است. رقابت سیاسی نهادمند، گذار از فرایند تعارض منجر به منازعه و تبدیل شدن آن به رقابت سیاسی مبتنی بر وفاق، مدارا و تحمل است (کریمی مله، ۱۳۸۰: ۵۰-۴۹). رقابت های سیاسی انتخاباتی (Political-electoral competition) در جامعه ایران مبتنی بر ضعف فرهنگ سیاسی رقابتی و سطح پایین جامعه پذیری سیاسی و مقتضیات و شرایط خاص زمان انتخابات و الزامات خارجی و محیط داخلی اعم از شکاف اجتماعی، سیاسی، اقتصاد، فرهنگی و قومی و انتخاباتی و... است؛ که حضور در انتخابات را تحت تأثیر خود قرار می دهند. از آنجا که رقابت سیاسی انتخاباتی ریشه در شکاف بین نخبگان و توده ها، احزاب و جناح های سیاسی، مسائل سیاسی و اقتصادی و کسب، حفظ و نگهداری قدرت دارد. در سه سطح نخبگان و توده ها، دولت و برخی نهادهای حکومتی، غیرمسالمت آمیز، غیر نهادمند و مبتنی بر حذف و ستیز است. که باعث شدند بستر و زمینه برای مشارکت و رقابت به عنوان اصول حاکم بر انتخابات، در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی فراهم نشود. رابرت دال که به طور همزمان دو رکن «رقابت عمومی» (General competition) و «مشارکت عمومی» عوامل اساسی برای تکثرگرایی سیاسی می داند (فیرحی، ۱۳۸۵: ۳۴). این ایده رابرت دال با ادای دیگر وی مبنی بر اینکه پیشرفت به سمت دموکراسی - پولی آرشی در صورتی پایدار و مسلم خواهد بود، که رقابت قبل از مشارکت توسعه یابد، سازگار است (رژ، ۱۳۹۰: ۸۶). رقابت و مشارکت سیاسی از نظر تأثیر بر میزان مشارکت در انتخابات و تداوم آن سه حالت می گیرد. در حالت اول، نخست رقابت سیاسی

افزایش یابد و سپس مشارکت سیاسی گسترش یابد. در حالت دوم، اول مشارکت سیاسی و سپس رقابت سیاسی گسترش یابد، در چنین حالتی با افزایش مشارکت اتفاق نظر میان گروه های مختلف بر سر قواعد رقابت سیاسی کاهش می یابد. در حالت سوم رقابت و مشارکت سیاسی هر دو با هم و توأمان صورت گیرند. در چنین حالتی مشارکت سیاسی نهادمند و با دوام است. در غیر این صورت افزایش مشارکت سیاسی بدون ایجاد رقابت سیاسی نهادمند، موجب مشارکت نهادمند و با دوام نخواهد شد، بلکه موجب مشارکت هیجانی و مبتنی بر بسیج توده ای می شود. که در شرایط بی ثباتی اجتماعی و بحران سیاسی - اقتصادی، غیرقابل پیش بینی است. کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی مصداق آن می باشد.

از میان دیدگاه های شکل گرفته در مورد رقابت سیاسی، یک دیدگاه تا حدود زیادی تمایل به وجود رقابت ندارد و آن را مخل نظم و امنیت می داند. آنچه مد نظر طرفداران این الگو است «وحدت سیاسی» به جای «رقابت سیاسی» است (افتخاری، ۱۳۷۸: ۴۰). دیدگاه دوم، تکثرگرا است. که رقابت سیاسی را لازمه ی رشد و پویایی فرهنگی و اجتماعی جامعه دانسته و آن را از نشانه های حکومت های مردم سالار می داند. این دیدگاه باز تولید وحدت را در پرتو کثرت گرایی سیاسی و رقابت می داند (میرمحمدی، ۱۳۸۰: ۸۰). دیدگاه سوم، معتقد به الگوی تثبیت و حفظ وضع موجود و محدود کردن رقابت های سیاسی است. این دیدگاه رقابت سیاسی را در سایه ثابت نگه داشتن سطح گروه بندی های سیاسی و نزدیک کردن هر چه بیشتر این دیدگاهها به یکدیگر و خواباندن جریان های فکری دیگر است (میرمحمدی، ۱۳۸۰: ۸۳). به تاسی از موارد فوق می توان گفت. در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی بستر و زمینه ی رقابت سیاسی نهادمند، مسالمت آمیز و منطقی فراخور مشارکت حداکثری فراهم و گسترش نیافت. و رقابت سیاسی انتخاباتی در حد تخصص و تضاد در بین نخبگان، احزاب سیاسی و جناح ها و کاندیداهای انتخابات بود.

۴.۱.۲ عوامل مؤثر بر مشارکت و رقابت سیاسی

رابرت دال به مواردی از عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی یا عدم مشارکت سیاسی اشاره می کند که به نظر وی احتمال افزایش مشارکت سیاسی بر اساس آنها زیاد است (دال، ۱۹۹۱: ۹۶).

۱. فرد ارزش زیادی برای پاداش حاصل از مشارکت قایل باشد.
 ۲. فرد تصور کند که مشارکت سیاسی بیشتر از سایر فعالیت های وی نتیجه بخش است.
 ۳. فرد اطمینان یابد که با مشارکت خود، می تواند در تصمیمات سیاسی تأثیرگذار باشد.
 ۴. فرد به این اعتقاد برسد که اگر مشارکت نکند، وضعیت چندان رضایت بخش نخواهد بود.
 ۵. فرد این تصور بکند که دانش و مهارت کافی برای مشارکت در موضوع مربوطه را دارد.
 ۶. فرد موانع مهمی در پرداختن به فعالیت سیاسی مورد نظر در پیش روی خود نبیند
- به نظر دال در غیر این صورت احتمال اینکه فرد به لحاظ سیاسی بی تفاوت شود و از مشارکت سیاسی خودداری کند زیاد است. (دال، ۱۹۹۱: ۱۰۲). رابرت دال همچنین عقاید گروهی از مردم که وی آنها را به عنوان «فعالان سیاسی» معرفی می کند بر نظام سیاسی مهم می پندارد. (فیرحی، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۹). به طوری که اثر آنها در رفتارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی اعم از رأی دادن، حمایت از احزاب سیاسی، شرکت در راه پیمایی های سیاسی، مبارزات انتخاباتی، تبلیغات سیاسی، شرکت در مجامع منفی و جز آن مشاهده می شود (قوم، ۱۳۷۴: ۷۸). اولسون (Olson) عوامل بسیاری بر مشارکت متعارف موثر می داند، که آسانتر شدن مشارکت، افزایش تحصیلات مردم و درک آنها از اهمیت مشارکت، رفع موانع قانونی (محرومیت از رأی دادن) و افزایش مشارکت اقلیت ها، اعتماد و یا بی اعتمادی به دولت و وجود برخی نامزدهای که می توانند بر انگیزه مشارکت مردم در انتخابات مؤثر باشند (اولسون، ۲۰۰۵: ۳؛ به نقل از داود پرچمی، ۱۳۶۸: ۴۸-۴۷). میلبرات و گوئل عدم مشارکت سیاسی در انتخابات را به عواملی مانند بی تفاوتی، بدبینی، بیگانگی و بی هنجاری نسبت می دهند. به نظر آنها میان مشارکت سیاسی و اثر بخشی سیاسی نیز همبستگی بالایی وجود دارد (مجددی نسب، ۱۳۹۴: ۷۹). نقطه مقابل مشارکت و درگیری سیاسی چه در سطح رأی دادن و یا عهده داری نقش های سیاسی، انفعال محض و یا بی تفاوتی نسبت به ساختار سیاسی است. هارولد کاپلان «بی تفاوتی» را حالتی از نبود احساس درونی و عاطفه، عدم علاقه و درگیری هیجانی نسبت به محیط خود تعریف می کند. میشل و کنیستن آن را نوعی احساس انفعال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان فرد و جامعه می دانند. بی تفاوتی نوعی

تصور، طرز تلقی یا احساس می باشد که از انتظار عدم تأثیر گذاری و تعیین کنندگی رفتار فرد در ایجاد نتایج یا دست کاری در واقعیت ها ناشی می شود (مسعود نیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲). بر این اساس عدم تأثیر رأی و نتایج حاصل از آن و تغییر و تحول ناشی از انتخابات به عنوان متغیرهای موثر و تأثیر گذار در انتخابات، نقش خود را در کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی نشان دادند.

فرهنگ سیاسی یکی از عوامل موثر بر رفتار سیاسی است. که از طریق باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها بر اندیشه و رفتار افراد تأثیر گذار است. و در تعیین الگوها و جهت‌دهی رفتار جمعی و مشارکت سیاسی و تداوم آن موثر است «فرهنگ سیاسی به معنای نحوه ی تأثیر گذاری متقابل فرهنگ و سیاست در موضوعات مختلف سیاسی است (سریع القلم، ۱۳۸۹: ۱۱). انتخابات نیز به عنوان یک پدیده ی فرهنگی و اجتماعی که در نهایت ماهیت سیاسی و خصلت برون داد سیاسی به خود می گیرد، نمی تواند از فرهنگ سیاسی متأثر نباشد (توکل نیا، ۱۳۹۷: ۸۷). در فرهنگ سیاسی مفاهیمی چون قدرت، آزادی، مردم سالاری، حاکمیت، مشروعیت، عدالت، برابری، دولت، حکومت، حقوق و دیگر پدیده های مطرح سیاست، همچون احزاب و انتخابات مورد توجه است، که تمام این مفاهیم ریشه در سنت ها، باورها، عقاید و ارزش های یک ملت دارد (خان محمدی، ۱۳۹۲: ۲۷). موارد فوق به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر میزان مشارکت در انتخابات مطرح می باشند. در فرهنگ سیاسی مقوله های مهمی نظیر میزان مشارکت سیاسی در انتخابات، شیوه ی رأی دهی، حمایت یا بی اعتنای نسبت به نظام سیاسی، قابل بررسی است. موضوعات فوق تا حد قابل توجهی به ارزش ها، اعتقادات، انگاره ها و نهادهای نهادینه شده بستگی دارند، که در فرهنگ سیاسی جای می گیرند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۱). راس (Ross) بر این باور است که

فرهنگ سیاسی یک کشور از ایستارهای مشخصه ی جمعیت آن نسبت به ویژگی های عمدی نظام های سیاسی- اجتماعی که در درون مرزهای آن دارد، سرشت رژیم، تعریف شایدها و نشایدهای حکومت و نقش مشارکت های فردی و اتباع حکومت تشکیل می یابد (عالم، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

تأثیر متقابل تحولات اقتصادی و فضای سیاسی کشور بر هم دیگر و بر انتخابات از جمله عوامل مهم و موثر بر کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای

اسلامی است. مباحث اقتصاد سیاسی به بررسی تبعات و تحولات و متغیرهای سیاسی برحوزه ی اقتصاد و اثرات پیشین و پسین انتخابات برحوزه ی اقتصاد می پردازد (رحیمی، ۱۳۹۲: ۷۴). به خصوص آنکه تأثیر اقتصادی یک تصمیم گیری سیاسی بر انتخابات باعث می شود، که نظر مردم برای مشارکت در انتخابات جلب شود و یا صرف شعار انتخاباتی دانسته شود و جلب توجه نشود (توکل نیا، ۱۳۹۷: ۸۹).

سی مورمارتین لپست (S.M.Lipset) در خصوص تأثیر متقابل اقتصاد با دموکراسی که انتخابات از وجوه بارز آن است، بر این باور است که کشورهای که وضع اقتصادی بهتری دارند، فرصت بهتری برای کسب و حفظ دموکراسی خواهند داشت (به نقل از سریع القلم، ۱۳۸۹: ۵). اصولاً هر چه روند توسعه که لزوماً به کیفیت زندگی انسان مربوط می شود، گسترش یابد و شاخص های آن به ویژه رفاه اقتصادی افزایش یابد، روحیه و زمینه مشارکت افراد در امور سیاسی نیز افزایش خواهد یافت و امکان شرکت در انتخابات و انتخاب منطقی و حساب شده توسط مردم بیشتر و بهتر می شود (لفت و بیچ، ۱۳۸۳: ۷۸). بنا بر استدلال راش، انسان ها با تغییر وضعیت اقتصادی خود رفتار می کنند؛ و با محاسبه و برآورد سود و زیان دست به اقدام می زنند. و پیش از پرداختن به هرگونه مشارکت سیاسی بررسی می کنند که آیا مشارکت سیاسی در انتخابات برای آنها سودمندی دارد، یا ندارد (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). این استنباط تافت (Taffet) که «مردم به کیف پول خود رأی می دهند» این موضوع را بر جسته می کند که، رفتار سیاسی خشونت آمیز مردم نتیجه ی نارضایتی و نارضایتی محصول محرومیت نسبی آن است. این نارضایتی عمدتاً حاصل شکاف غیر قابل تحملی است، میان آنچه فرد دارد و آنچه تصور می کند که استحقاق داشتن آن را دارد و مایل است به دست آورد (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۸۷: ۸۶). نارضایتی از انتخابات و عملکرد متخبین می تواند به شکل عدم شرکت در انتخابات و رأی دهی به جریان مخالف باشد.

فضای حاکم بر انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از جمله متغیرهای موثر در برگزاری انتخابات و میزان مشارکت در انتخابات و نتایج آن است. در واقع فضای حاکم بر انتخابات شرایط سیال زمان برگزاری انتخابات و حوادث و اتفاقات آن از نظر تأثیر متغیرهای موثر بر شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات است. فشارهای خارجی و تحریم و مسائل داخلی و خارجی ناشی از بلا تکلیفی دو لایحه CFT و پالرمو از لوايح چهارگانه

مربوط به FATF و عدم عضویت در FATF از جمله عوامل خاص حاکم بر جامعه در زمان انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی است. شیوع بیماری و آگیر کرونا و ترس از تبعات معیشتی و درمانی ناشی از آن از دیگر متغیرهای موثر بر میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم است. فاصله گرفتن منتخبین از مردم و بر آورده نشدن انتظارات مردم از منتخبین در مجلس دهم و سرخوردگی رأی دهندگان از عملکرد منتخبین و دولت از دیگر عوامل موثر بر مشارکت در انتخابات است. سهیم بودن مجلس دهم در ناکارآمدی دولت و طفره رفتن مجلس دهم در مواردی همچون تصمیم گیری در مورد قیمت بنزین و قوانین در حمایت از مردم از دیگر علل و عوامل موثر در مشارکت است. نامزدهای انتخابات و میزان توانمندی و پایگاه سیاسی و اجتماعی و مردمی آنها و در پی آن اعمال محدودیت بر ورود نامزدهای مطرح و موثر در انتخابات مجلس یازدهم شورای اسلامی از دیگر موارد مهم در میزان مشارکت در فضای حاکم بر انتخابات یازدهم است. همراه نشدن مردم با احزاب، جناح ها و گروه های سیاسی و سردرگمی و غیر موثر بودن اندازه و نوع فعالیت احزاب و جناح های سیاسی در انتخابات مجلس یازدهم و در پی آن افزایش اندازه و نوع فعالیت گروه های فشار از شرایط و ویژگی های حاکم بر فضای انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای از حیث حدود میزان حضور و عدم حضور در انتخابات است.

حدود میزان مشارکت سیاسی در انتخابات، ممکن است به وسیله ی عوامل چندی محدود گردد. محدودیت های قانونی و تفاسیر ناشی از آن ممکن است. بخشی از جمعیت را از مشارکت در انتخابات محروم کند. اما مانع اصلی مشارکت در انتخابات، مانع قانونی نیست. محدودیت اصلی در مشارکت به گسست اجتماعی و بی اعتمادی اجتماعی، انگیزش و ایجاد فرصت به مردم برای مشارکت و رقابت در انتخابات است. پس از آن نوسازی اجتماعی و کسب نتیجه ی حاصل از حضور در انتخابات و لمس تغییر و تحولات ناشی از انتخابات و منتخبین مسولیت پذیر و پاسخ گو در قبال وظایف نمایندگی و شعارها و ادعاهای نمایندگی است.

۳. پیشینه مطالعاتی پژوهش

سیف زاده (۱۳۷۳)، در مقاله «مشارکت منفعلانه و علل تداوم آن» مبتنی بر اسناد کتابخانه و با رویکرد نظری به تأسی و بر اساس نظریات دانشمندان مختلف، با در نظر گرفتن مقتضیات

زمانی، مکانی و موضوعی؛ مشارکت سیاسی را تابعی از تحولات و کارکردهای مختلف سیاسی - اداری (دیدگاه ماکس وبر، ریگرز، راستو، و اینر)، حقوقی - فرهنگی - سیاسی (دیدگاه دوتوکویل، هانتینگتن، و میردال) و اجتماعی (دیدگاه برینگتن مور) می‌داند. وی هم‌چنین نتیجه می‌گیرد که پدیده‌های سیاسی باید در قالب مطالعات میان رشته‌ای بررسی شوند.

هدایتی‌زاده (۱۳۷۸)، در پایان نامه خود، تحت عنوان «مشارکت سیاسی در ایران معاصر» با رویکرد توصیفی و تحلیلی به مطالعه مشارکت سیاسی در ایران پرداخته است. وی در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که به رغم اینکه ساختار نظام جمهوری اسلامی مبانی نظری و عملی مشارکت سیاسی مدنی را فراهم نموده است؛ اما ضعف انسجام درونی و سیستمی جامعه در ابعاد جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی مشارکتی و شرایط مرحله‌گذار نظام سیاسی غیر دموکراتیک سلطنتی به نظام سیاسی جمهوری اسلامی، موجب شکل‌گیری مشارکت سیاسی توده‌ای، گردیده است.

خسروی (۱۳۹۹)، در مقاله «تحلیل نتایج انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی در پرتو قاعده اکثریت» با استفاده از شیوه آماری، توصیفی و تحلیلی، نتیجه می‌گیرد، نظام رأی‌گیری انتخابات مجلس به دلیل اتخاذ شیوه رأی‌گیری نامتجانس، منجر به مشارکت پایین شهروندان می‌شود. و نرخ شاخص نمایندگی پایین نمی‌تواند گویای نمایندگی جمعی و عصاره اراده ملت و ترکیبی از اکثریت همه ذی‌نفعان اجتماعی باشد. و هم‌چنین موید این امر است که مجلس یازدهم در انطباق با قاعده اکثریت، نمایندگی پرمعنا و اصیل شکل نگرفته و نیازمند اصلاح نظام انتخاباتی در مسیر حداکثرسازی مشارکت مردم و ایجاد زمینه مساعد برای رقابت منصفانه است.

میلانی و کرمی (۱۳۹۶)، در کتاب «اقتصاد سیاسی انتخابات: نگاهی به انتخابات دهم ریاست جمهوری از منظر اقتصاد سیاسی» انتخابات را از منظر مسائل اقتصادی و حوزه اقتصاد سیاسی با تأکید بر نظریه انتخاب عمومی بررسی کرده است. آنها بر این اعتقادند که هرچند رفتار انتخاباتی افراد و قشرهای مختلف در انتخابات را باید با نگاهی چندجانبه بررسی کرد؛ ولی محور اصلی رفتار رأی‌دهی شهروندان مختلف جامعه را محاسبات سود و یان برای انتخاب فرد آینده کشور در نظر می‌گیرند.

کیربیش (Kirbis, A) (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی غیر دموکراتیک در اروپای غربی، اروپای شرقی و کشورهای یوگسلاوی سابق» براساس نظریه اینگلههارت (Inglehart's Theory) استدلال می‌کند که مردم در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی اجتماعی توسعه یافته ترند از نظر سیاسی نیز فعال ترند و افرادی که گرایش‌های غیر دموکراتیک دارند، از نظر سیاسی نیز کمتر فعال اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد شهروندان و زنان در کشورهای پساکمونیست، که فرهنگ سیاسی محدودتری دارند، از لحاظ سیاسی کمتر فعال اند و در مقایسه با هم‌تاهای غربی خود در فرایندهای سیاسی کمتر مشارکت می‌کنند.

۴. نوآوری تحقیق و وجه ممیز پژوهش

در خصوص مشارکت در انتخابات و موضوعات مرتبط به آن تحقیقات و مقالات مهم و قابل توجه زیادی نوشته شده است. بررسی پژوهش‌های انجام شده در موضوع مشارکت نشان داد، که هر یک از آنها به یک یا چند عامل خاص پرداخته اند، و کمتر به علل و عوامل مختلف بر مشارکت در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف فراخور و به اقتضای ذات و ماهیت انتخابات ورود نموده اند. بر این اساس وجه تمایز این پژوهش نگاه و برداشت چندوجهی از انتخابات و ورود به حوزه‌ها و زمینه‌های مختلفی که بر انتخابات تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌گیرند، است. شاخص بندی علل و عوامل کاهش مشارکت به عنوان یک مفهوم مطرح و بر جسته در مشارکت و تعیین اندازه میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها بر کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی با استفاده از خبرگان از نوآوری موارد توجه برای مطالعات آتی مشارکت است.

۵. روش پژوهش

در پژوهش حاضر، ابتدا محقق از طریق مطالعات اکتشافی شامل بررسی متون و منابع مکتوب و انجام مصاحبه با صاحب نظران و کارشناسان حوزه‌های مختلف شاخص‌های کلیدی علل و عوامل کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی از نظر اهمیت و اولویت در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف به تعداد ۳۷ شاخص

شناسایی و احصاء و بر طیف لیکرت تنظیم نمود. در پی آن محقق به منظور تعیین میزان تاثیر هر یک از شاخص های کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی. مبادت به تعیین و تشکیل گروه خبرگان متشکل از اساتید دانشگاه و صاحب نظران در حوزه ها و زمینه های مختلف و مدیران و کارشناسان و دست اندرکاران برگزارى انتخابات به تعداد ۳۰ نفر اقدام می نماید.

پژوهش حاضر از این بابت که ترکیبی از مصاحبه با صاحب نظران و کارشناسان و متعاقب آن پیمایش و سنجش آن توسط خبرگان است. از نظر نوع داده ها در زمره پژوهش های کیفی و کمی است. از نظر هدف اکتشافی است. مشارکت سیاسی در انتخابات به عنوان متغیر وابسته است. متغیر مستقل علل و عوامل مختلف در کاهش مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم است. که در این تحقیق به عنوان شاخص های علل و عوامل کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی از آنها یاد می شود. فرضیه تحقیق پیش رو در پاسخ به سوال چرایی کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی در برقراری رابطه بین کاهش مشارکت در انتخابات و شاخص های علل و عوامل موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم می باشد.

۶. تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

بر مبنای چهارچوب نظری پژوهش و بهره گیری از ادبیات نظری تحقیق، به منظور عملیاتی نمودن متغیرهای تحقیق، که در این تحقیق تحت عنوان شاخص های علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت نامیده می شوند. شاخص های تحقیق به گونه ای طراحی شدند، تا ضمن تأمین روایی و پایایی لازم، به لحاظ آماری، نقطه نظرات خبرگان، صاحب نظران و کارشناسان را نیز مورد توجه قرار دهند. در مسئله یابی علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و تاثیر هر یک از شاخص ها بر کاهش مشارکت در انتخابات، از روش تجزیه و تحلیل آماری توصیفی - استنباطی استفاده می شود. تا داده ها تلخیص، طبقه بندی، پردازش شود؛ و زمینه برقراری روابط بین داده ها فراهم شود. تجزیه و تحلیل داده های شاخص ها در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه گردید. در بخش آمار توصیفی، فراوانی درصدها،

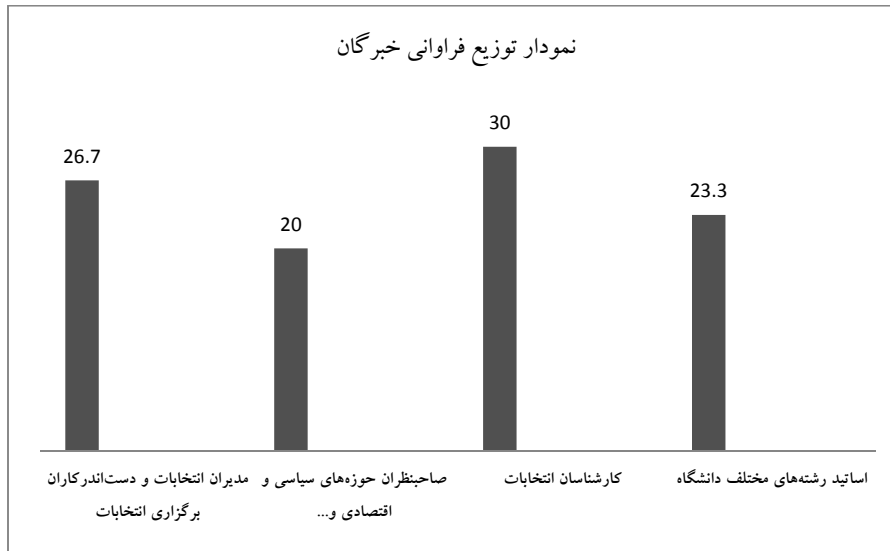
میانگین و انحراف معیار ارایه شد. و در بخش استنباطی از آزمون t جهت مقایسه میانگین و از آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی شاخص‌ها استفاده گردید. لازم به ذکر است که پاسخ‌ها بر روی یک پیوستار طیف لیکرت (تأثیر ندارد، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد) به ترتیب با کدهای عددی (۰، ۱، ۲، ۳، ۴) در نظر گرفته شده‌اند و لذا میانگین طیف لیکرت ۲/۵ در نظر گرفته شده است.

۱.۶ بررسی توزیع پاسخ‌گویان (خبرگان)

هم‌چنانکه جدول (۱) نشان می‌دهد، از میان خبرگانی که در پژوهش شرکت داشته‌اند، ۷ نفر از اساتید رشته‌های مختلف دانشگاه ۲۳/۳ درصد، ۹ نفر از کارشناسان انتخابات ۳۰/۰ درصد، ۶ نفر از صاحب‌نظران حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و ... ۲۰/۰ درصد و ۸ نفر هم از مدیران انتخابات و دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات ۲۶/۷ درصد است.

جدول ۱. توزیع فراوانی خبرگان

درصد	فراوانی	پاسخگویان (خبرگان)
۲۳/۳	۷	اساتید رشته‌های مختلف دانشگاه
۳۰/۰	۹	کارشناسان انتخابات
۲۰/۰	۶	صاحب‌نظران حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و ...
۲۶/۷	۸	مدیران انتخابات و دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات
۱۰۰	۳۰	جمع



۲.۶ بررسی توصیفی شاخص‌های موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم

بررسی توصیفی شاخص‌های موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم به‌منظور نشان دادن میزان تأثیر شاخص‌های علل و عوامل کاهش مشارکت در انتخابات موثر مقدار تأثیر آنها است. هم‌چنانکه جدول (۲) نشان می‌دهد، همه شاخص‌های علل و عوامل کاهش مشارکت در انتخابات با توافق ۵۰ درصد و بالاتر، در حد خیلی زیاد در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی نقش داشته است.

جدول ۲. معیارهای آماری توصیفی شاخص‌های کاهش مشارکت.

مقیاس	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	ندارد	شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی
مجمعی زیاد	۸۳.۳٪	۱۰.۰٪	۶.۷٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۰.۰٪	۱. حزبی نبودن انتخابات مجلس شورای اسلامی و عدم تعیین و تکلیف وظایف انتخاباتی احزاب سیاسی در قانون انتخابات.

ندارد	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی
٪۰.۰	٪۶.۷	٪۴۳.۳	٪۳۳.۳	٪۲۶.۷	۲. الکترونیکی نبودن مرحله ی اخذ رأی و شمارش آرای انتخابات مجلس شورای اسلامی
٪۰.۰	٪۵۰.۰	٪۱۰.۰	٪۱۶.۷	٪۳۳.۳	۳. ضعف فرمانداران و بخشداران در اعمال و اجرای همه جانبه ی قانون انتخابات مجلس و دفاع از حقوق داوطلبان انتخابات
٪۰.۰	٪۳.۳	٪۱۰.۰	٪۵۰.۰	٪۳۶.۷	۴. نظام انتخابات انعطاف ناپذیر و ناکارآمد به نیازهای روز انتخابات جامعه مردم‌سالار و انتخاب شونده‌گان پاسخگو و انتخاب کنندگان پرسشگر
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۰.۰	٪۳.۳	٪۹۶.۷	۵. بی تفاوتی و کوتاهی نمایندگان مجلس دهم در قبال شعارها و ادعاهای نمایندگی و قانونگذاری و نظارت به عنوان دو وظیفه اصلی و مهم نمایندگی مجلس
٪۰.۰	٪۳.۳	٪۶.۷	٪۱۳.۳	٪۸۶.۷	۶. محافظه کاری، عدم جسارت و امتناع نمایندگان مجلس از بیان مسائل و مشکلات حوزه انتخابیه و واقعیت های کشور.
٪۰.۰	٪۲۰.۰	٪۳۳.۳	٪۳۰.۰	٪۲۶.۷	۷. مصلحت اندیشی رئیس و نواب رئیس مجلس و اعضای هیات رئیسه و روسای کمیسیون ها و فراکسیون های مجلس دهم در قبال مصوبات، طرح ها، لوایح و مسائل مهم کشور
٪۰.۰	٪۱۳.۳	٪۱۶.۷	٪۴۰.۰	٪۳۰.۰	۸. استیلاي منویات رئیس مجلس دهم بر دستورات، مصوبات، طرح ها، لوایح و اعضای کمیسیون ها و فراکسیون های مجلس
٪۰.۰	٪۶.۷	٪۳۰.۰	٪۳۶.۷	٪۲۶.۷	۹. ورود بعضی از نمایندگان مجلس در طول دوره نمایندگی به مسائل مالی و اقتصادی با صاحبان قدرت و سرمایه و وام‌دار شدن به اسپانسرها و میلیاردرها.
٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۳۳.۳	٪۲۶.۷	٪۳۰.۰	۱۰. جناحی و سیاسی عمل کردن نمایندگان مجلس دهم در قبال مصوبات، طرح ها و لوایح و مسائل و موضوعات مختلف ملی و منطقه ای و جهانی.
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۱۳.۳	٪۲۳.۳	٪۶۳.۳	۱۱. دخالت و ورود جانبدارانه و غیر کارشناسی نمایندگان مجلس دهم در عزل و نصب استانداران، معاونین استاندار، فرمانداران، معاونین فرماندار و بخشداران و مدیران شهرستان ها و بخش ها.
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۲۳.۳	٪۳۳.۳	٪۴۳.۳	۱۲. استیضاح های مصلحتی و کاسب کارانه معطوف به باج خواهی و باج دهی متقابل بین نمایندگان مجلس دهم شورای اسلامی و وزیران دولت.
٪۰.۰	٪۶.۷	٪۱۶.۷	٪۴۳.۳	٪۳۳.۳	۱۳. کلی گویی نمایندگان مجلس دهم در نطق ها و غیر کارشناسی برخورد نمودن با مسائل فنی و تخصصی کشور.

بررسی علل و عوامل کاهش ... (عبدالمطلب عبدالله و پرویز توکل نیا) ۱۶۵

نقد	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۲۰.۰	٪۷۰.۰	۱۴. کاهش چشمگیر تاثیرگذاری مجلس دهم در قبال قانون گذاری و موازی کاری در قانون گذاری توسط نهادهای دیگر.
٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۱۶.۷	٪۲۶.۷	٪۴۶.۷	۱۵. دخل و تصرف مجلس در افزایش بودجه ی مجلس و در تأمین و گسترش امکانات و امتیازات نمایندگان مجلس.
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۰.۰	٪۱۶.۷	٪۸۳.۳	۱۶. گسترش و تداوم ایده تشریفانی خواندن انتخابات و غیر موثر بودن رأی و حضور در انتخابات.
٪۰.۰	٪۳.۳	٪۱۰.۰	٪۲۰.۰	٪۶۶.۷	۱۷. قصورها و کوتاهی‌های دولت در تدبیر امور و عقب نشینی از شعارها و برنامه‌های انتخاباتی و بی اعتنایی به افکار عمومی.
٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۶.۷	٪۳۳.۳	٪۵۰.۰	۱۸. ایجاد فاصله طبقاتی عمیق و گسترش شکاف اقتصادی و سیاسی بین فقیر و غنی و برخوردار و غیر برخوردار در کشور
٪۰.۰	٪۳.۳	٪۶.۷	٪۱۶.۷	٪۸۳.۳	۱۹. وجود رانت و فسادهای مالی و اقتصادی و سیاسی در بین صاحبان نفوذ و سرمایه و بعضی از مسئولین و مدیران
٪۰.۰	٪۳.۳	٪۲۰.۰	٪۴۰.۰	٪۳۶.۷	۲۰. خصوصی سازی اموال عمومی و واگذاری های سیاسی و سلیقه ای به بخش خصوصی
٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۱۳.۳	٪۴۳.۳	٪۳۳.۳	۲۱. نظام بوجه بندی نامناسب و ناعادلانه ی کشور در توزیع ثروت ملی و درآمدهای ملی و در توسعه کشور.
٪۰.۰	٪۳.۳	٪۱۰.۰	٪۱۰.۰	٪۷۶.۷	۲۲. عواقب ناشی از افزایش ناگهانی قیمت بنزین و تأثیر آن بر افزایش هزینه های اقتصادی و معیشتی
٪۰.۰	٪۳.۳	٪۶.۷	٪۱۰.۰	٪۸۰.۰	۲۳. شرایط نامناسب اقتصادی و معیشتی و افزایش بی محابای قیمت ها و مایحتاج اساسی و ضروری زندگی مردم
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۳.۳	٪۲۳.۳	٪۷۳.۳	۲۴. تحریم های ظالمانه و تبعات تحمیل تحریم ها بر اقتصاد و سیاست و اجماع ملی و هزینه های اداره کشور
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۹۰.۰	۲۵. خودتحریمی ناشی از بلاتکلیفی دو لایحه CFT و پارمو از لوائح چهارگانه مربوط به FATF و عدم عضویت در FATF

ندارد	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۶.۷	٪۸۳.۳	۲۶. خودسانسوری نخبگان عرصه های مختلف در پذیرش مسائل ومشکلات و واقعیت های جامعه و در همراه شدن با مردم.
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۳.۳	٪۳.۳	٪۹۳.۳	۲۷. کم تحرکی جریان های سیاسی، احزاب، گروه ها و دیگر اجزای جامعه مدنی نسبت به سیاست و انتخابات
٪۰.۰	٪۳.۳	٪۶.۷	٪۱۰.۰	٪۸۰.۰	۲۸. بی تفاوتی و سرخوردگی عرصه عمومی و جامعه نسبت به جریان های سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا و انتخابات
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۰.۰	٪۳.۳	٪۹۶.۷	۲۹. رقابت سیاسی انتخاباتی غیر نهادمند و غیر مسالمت آمیز مبتنی بر حذف رقیب و ستیز بین جناح های سیاسی کشور
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۶.۷	٪۱۶.۷	٪۷۶.۷	۳۰. فقدان حداقل های یک انتخابات رقابتی و عدم حضور بایسته همه جریان های سیاسی در فضای انتخاباتی کشور
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۰.۰	٪۸۳.۳	٪۸۶.۷	۳۱. گسترش ایده تکاپوی برخی جریان های سیاسی برای حذف رقبای، کاهش مشارکت و یک دست سازی حاکمیت
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۰.۰	٪۶.۷	٪۹۳.۳	۳۲. شیوع و تداوم بیماری کرونا و نگرانی از پیامدهای مخرب آن بر حوزه سلامت و درمان و معیشت مردم
٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۱۶.۷	٪۴۰.۰	٪۳۳.۳	۳۳. شکل گیری تبلیغات تخریبی و عملیات روانی توسط مخالفان نظام در شبکه های اجتماعی و ماهواره ایمنی بر «رای بی رای»
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۶.۷	٪۳۰.۰	٪۶۳.۳	۳۴. سرخوردگی جریان اصلاحات از عملکرد دولت و فراکسیون امید مجلس دهم
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۹۰.۰	۳۵. محدودیت رأی دهندگان درگزینش نامزدهای مطلوب خود در انتخابات مجلس یازدهم
٪۰.۰	٪۰.۰	٪۳.۳	٪۵۰.۰	٪۴۶.۷	۳۶. تاثیر تناقض شدید میان شعارها و اظهارات برخی مسئولان و مدیران با نحوه زندگی خود و خانواده‌شان بر مردم و انتخابات
٪۰.۰	٪۱۰.۰	٪۱۳.۳	٪۴۰.۰	٪۴۶.۷	۳۷. ادعای هدفمند مبنی بر تشریفاتی بودن انتخابات و بی فایده بودن رأی و حضور در انتخابات

۳.۶ بررسی تأثیر هر یک از شاخص‌ها در کاهش میزان مشارکت با آزمون t

از آنجا که پاسخ‌ها بر روی یک پیوستار طیف لیکرت (تأثیر ندارد، خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد) به ترتیب با کدهای عددی (۰، ۱، ۲، ۳، ۴) مشخص شدند، میانگین طیف لیکرت ۲/۵ در نظر گرفته شد است. و میانگین پاسخ‌ها با حد متوسط طیف یعنی مدار ۲/۵ مقایسه شدند. آزمون t و تعیین میانگین هریک از شاخص به این منظور است که هر یک از شاخص‌ها در کاهش مشارکت موثر و یا غیر موثر است. هم‌چنانکه جدول (۲) نشان می‌دهد. سه شاخص «الکترونیکی نبودن مرحله ی اخذ رأی و شمارش آرای انتخابات مجلس شورای اسلامی» و «ضعف فرمانداران و بخشداران در اعمال و اجرای همه جانبه ی قانون انتخابات مجلس و دفاع از حقوق داوطلبان انتخابات» و «مصلحت اندیشی رئیس و نواب رئیس مجلس و اعضای هیات رئیسه و روسای کمیسیون‌ها و فراکسیون‌های مجلس دهم در قبال مصوبات، طرح‌ها، لوایح و مسائل مهم کشور» در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی بدون اثر است. یعنی (مقادیر t از ۱.۹۶ کمتر و مقدار p متناظر از ۰.۰۵ بیشتر است). و سایر شاخص‌ها در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی موثر شناخته شدند. یعنی (مقادیر t از ۱.۹۶ بیشتر و مقدار p متناظر از ۰.۰۵ کمتر است).

جدول ۳. بررسی تأثیر هر یک از شاخص‌های در کاهش میزان مشارکت با آزمون t

نتیجه	مقدار t	میانگین	شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی
موثر	۱۲.۲۱	۳.۷۷	۱. حزبی نبودن انتخابات مجلس شورای اسلامی و عدم تعیین و تکلیف وظایف انتخاباتی احزاب سیاسی در قانون انتخابات.
بدون اثر	۱.۱۵	۲.۷۰	۲. الکترونیکی نبودن مرحله ی اخذ رأی و شمارش آرای انتخابات مجلس شورای اسلامی
بدون اثر	-۱.۵۷	۲.۱۳	۳. ضعف فرمانداران و بخشداران در اعمال و اجرای همه جانبه ی قانون انتخابات مجلس و دفاع از حقوق داوطلبان انتخابات
موثر	۵.۰۴	۳.۲۰	۴. نظام انتخابات انعطاف ناپذیر و ناکارآمد به نیازهای روز انتخابات جامعه مردم‌سالار و انتخاب شوندگان پاسخگو و انتخاب کنندگان پرسشگر
موثر	۴۴.۰۰	۳.۹۷	۵. بی تفاوتی و کوتاهی نمایندگان مجلس دهم در قبال شعارها و ادعاهای نمایندگی و قانونگذاری و نظارت به عنوان دو وظیفه اصلی و مهم نمایندگی مجلس

۱۶۸ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱

نتیجه	مقدار t	میانگین	شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی
موثر	۸.۱۲	۳.۶۳	۶. محافظه کاری، عدم جسارت و امتناع نمایندگان مجلس از بیان مسائل و مشکلات حوزه انتخابیه و واقعیت های کشور.
بدون اثر	۰.۶۷	۲.۶۳	۷. مصلحت اندیشی رئیس و نواب رئیس مجلس و اعضای هیات رئیسه و روسای کمیسیون ها و فراکسیون های مجلس دهم در قبال مصوبات، طرح ها، لوایح و مسائل مهم کشور
موثر	۱.۹۹	۲.۸۷	۸. استیلائی منویات رئیس مجلس دهم بر دستورات، مصوبات، طرح ها، لوایح و اعضای کمیسیون ها و فراکسیون های مجلس
موثر	۲.۰۰	۲.۸۳	۹. ورود بعضی از نمایندگان مجلس در طول دوره نمایندگی به مسائل مالی و اقتصادی با صاحبان قدرت و سرمایه و وام دار شدن به اسپانسرها و میلیاردرها.
موثر	۲.۰۷	۲.۸۷	۱۰. جناحی و سیاسی عمل کردن نمایندگان مجلس دهم در قبال مصوبات، طرح ها و لوایح و مسائل و موضوعات مختلف ملی و منطقه ای و جهانی.
موثر	۷.۴۹	۳.۵۰	۱۱. دخالت و ورود جانبدارانه و غیر کارشناسی نمایندگان مجلس دهم در عزل و نصب استانداران، معاونین استاندار، فرمانداران، معاونین فرماندار و بخشداران و مدیران شهرستان ها و بخش ها.
موثر	۴.۷۶	۳.۲۰	۱۲. استیضاح های مصلحتی و کاسب کارانه معطوف به باج خواهی و باج دهی متقابل بین نمایندگان مجلس دهم شورای اسلامی و وزیران دولت.
موثر	۳.۲۸	۳.۰۳	۱۳. کلی گویی نمایندگان مجلس دهم در نطق ها و غیر کارشناسی برخورد نمودن با مسائل فنی و تخصصی کشور.
موثر	۸.۹۳	۳.۶۰	۱۴. کاهش چشمگیر تاثیرگذاری مجلس دهم در قبال قانون گذاری و موازی کاری در قانون گذاری توسط نهادهای دیگر.
موثر	۳.۱۹	۳.۱۰	۱۵. دخل و تصرف مجلس در افزایش بودجه ی مجلس و در تأمین و گسترش امکانات و امتیازات نمایندگان مجلس.
موثر	۱۹.۲۷	۳.۸۳	۱۶. گسترش و تداوم ایده تشریفاتی خواندن انتخابات و غیر موثر بودن رأی و حضور در انتخابات.
موثر	۶.۶۸	۳.۵۰	۱۷. قصورها و کوتاهی های دولت در تدبیر امور و عقب نشینی از شعارها و برنامه های انتخاباتی و بی اعتنائی به افکار عمومی.
موثر	۴.۱۴	۳.۲۳	۱۸. ایجاد فاصله طبقاتی عمیق و گسترش شکاف اقتصادی و سیاسی بین فقیر و غنی و برخوردار و غیر برخوردار در کشور
موثر	۷.۸۲	۳.۶۰	۱۹. وجود رانت و فسادهای مالی و اقتصادی و سیاسی در بین صاحبان نفوذ و سرمایه و بعضی از مسئولین و مدیران
موثر	۳.۸۹	۳.۱۰	۲۰. خصوصی سازی اموال عمومی و واگذاری های سیاسی و سلیقه ای به بخش خصوصی
موثر	۲.۸۹	۳.۰۰	۲۱. نظام بوجه بندی نامناسب و ناعادلانه ی کشور در توزیع ثروت ملی و درآمدهای ملی و در توسعه کشور.

بررسی علل و عوامل کاهش ... (عبدالمطلب عبدالله و پرویز توکل نیا) ۱۶۹

نتیجه	مقدار t	میانگین	شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی
موثر	۷.۴۱	۳.۶۰	۲۲. عواقب ناشی از افزایش ناگهانی قیمت بنزین و تأثیر آن بر افزایش هزینه‌های اقتصادی و معیشتی
موثر	۸.۴۳	۳.۶۷	۲۳. شرایط نامناسب اقتصادی و معیشتی و افزایش بی‌محابای قیمت‌ها و مایحتاج اساسی و ضروری زندگی مردم
موثر	۱۲.۲۹	۳.۷۰	۲۴. تحریم‌های ظالمانه و تبعات تحمیل تحریم‌ها بر اقتصاد و سیاست و اجماع ملی و هزینه‌های اداره کشور
موثر	۲۵.۱۳	۳.۹۰	۲۵. خودتحریمی ناشی از بلاتکلیفی دو لایحه CFT و پالرمو از لویح چهارگانه مربوط به FATF و عدم عضویت در FATF
موثر	۱۰.۵۶	۳.۷۳	۲۶. خودسانسوری نخبگان عرصه‌های مختلف در پذیرش مسائل و مشکلات و واقعیت‌های جامعه و در همراه شدن با مردم
موثر	۱۹.۰۵	۳.۹۰	۲۷. کم‌تحرکی جریان‌های سیاسی، احزاب، گروه‌ها و دیگر اجزای جامعه مدنی نسبت به سیاست و انتخابات
موثر	۸.۴۳	۳.۶۷	۲۸. بی‌تفاوتی و سرخوردگی عرصه عمومی و جامعه نسبت به جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا و انتخابات
موثر	۴۴.۰۰	۳.۹۷	۲۹. رقابت سیاسی انتخاباتی غیر نهادمند و غیر مسالمت‌آمیز مبتنی بر حذف رقیب و ستیز بین جناح‌های سیاسی کشور
موثر	۱۱.۰۳	۳.۷۰	۳۰. فقدان حداقل‌های یک انتخابات رقابتی و عدم حضور بایسته همه جریان‌های سیاسی در فضای انتخاباتی کشور
موثر	۲۱.۶۵	۳.۸۷	۳۱. گسترش ایده تکاپوی برخی جریان‌های سیاسی برای حذف رقیب، کاهش مشارکت و یک‌دست‌سازی حاکمیت
موثر	۳۰.۹۴	۳.۹۳	۳۲. شیوع و تداوم بیماری کرونا و نگرانی از پیامدهای مخرب آن بر حوزه سلامت و درمان و معیشت مردم
موثر	۲.۶۵	۲.۹۷	۳۳. شکل‌گیری تبلیغات تخریبی و عملیات روانی توسط مخالفان نظام در شبکه‌های اجتماعی و ماهواره ایمنی بر «رای بی‌رای»
موثر	۹.۳۳	۳.۵۷	۳۴. سرخوردگی جریان اصلاحات از عملکرد دولت و فراکسیون امید مجلس دهم
موثر	۲۵.۱۳	۳.۹۰	۳۵. محدودیت رأی‌دهندگان درگزینش نامزدهای مطلوب خود در انتخابات مجلس یازدهم
موثر	۸.۹۶	۳.۴۳	۳۶. تأثیر تناقض شدید میان شعارها و اظهارات برخی مسئولان و مدیران با نحوه زندگی خود و خانواده‌شان بر مردم و انتخابات
موثر	۳.۰۳	۳.۰۳	۳۷. ادعای هدفمند مبنی بر تشریفاتی بودن انتخابات و بی‌فایده بودن رأی و حضور در انتخابات

۴.۶ بررسی رتبه هریک از شاخص‌های کاهش میزان مشارکت با آزمون فریدمن

در تعیین رتبه‌بندی هر یک از شاخص‌ها از جهت تأثیر در میزان کاهش مشارکت بر انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، از آزمون فریدمن استفاده گردید. براساس آزمون فریدمن که یک آزمون ناپارامتری است و وجود تفاوت معنادار بین تعدادی از گروه‌های وابسته را بررسی می‌کند. نشان داد که میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات فوق یکسان نیست (مقدار p ۰.۰۰۱، متناظر با آماره آزمون فریدمن ۲۱۵.۶۵، از ۰.۰۵ کم‌تر است).

جدول ۴. نتایج آزمون فریدمن در رتبه تأثیر هر یک از شاخص‌ها بر کاهش مشارکت

مقدار p	آماره فریدمن	رتبه تأثیر	شاخص‌ها علل و عوامل مختلف موثر در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی
۰.۰۰۱	۲۱۵.۶۵	۱	بی تفاوتی و کوتاهی نمایندگان مجلس دهم در قبال شعارها و ادعاهای نمایندگی و قانونگذاری و نظارت به عنوان دو وظیفه اصلی و مهم نمایندگی مجلس
		۱	رقابت سیاسی انتخاباتی غیر نهادمند و غیر مسالمت آمیز مبتنی بر حذف رقیب و ستیز بین جناح‌های سیاسی کشور
		۲	شیوع و تداوم بیماری کرونا و نگرانی از پیامدهای مخرب آن بر حوزه سلامت و درمان و معیشت مردم
		۳	خودتحریمی ناشی از بلا تکلیفی دو لایحه CFT و پالرمو از لویج چهارگانه مربوط به FATF و عدم عضویت در FATF
		۳	محدودیت رأی دهندگان در گزینش نامزدهای مطلوب خود در انتخابات مجلس یازدهم
		۴	گسترش ایده تکاپوی برخی جریان‌های سیاسی برای حذف رقیب، کاهش مشارکت و یک دست سازی حاکمیت
		۵	گسترش و تداوم ایده تشریفانی خواندن انتخابات و غیر موثر بودن رأی و حضور در انتخابات.
		۶	کم تحرکی جریان‌های سیاسی، احزاب، گروه‌ها و دیگر اجزای جامعه مدنی نسبت به سیاست و انتخابات
۷	تحریم‌های ظالمانه و تبعات تحمیل تحریم‌ها بر اقتصاد و سیاست و اجماع ملی و هزینه‌های اداره کشور		
۸	حزبی نبودن انتخابات مجلس شورای اسلامی و عدم تعیین و تکلیف وظایف انتخاباتی احزاب سیاسی در قانون انتخابات.		

بررسی علل و عوامل کاهش ... (عبدالمطلب عبدالله و پرویز توکل نیا) ۱۷۱

۹	فقدان حداقل های یک انتخابات رقابتی و عدم حضور بایسته همه جریان های سیاسی در فضای انتخاباتی کشور
۱۰	خودسانسوری نخبگان عرصه های مختلف در پذیرش مسائل و مشکلات و واقعیت های جامعه و در همراه شدن با مردم.
۱۱	سرخوردگی جریان اصلاحات از عملکرد دولت و فراکسیون امید مجلس دهم
۱۲	تأثیر تناقض شدید میان شعارها و اظهارات برخی مسئولان و مدیران با نحوه زندگی خود و خانواده شان بر مردم و انتخابات
۱۳	کاهش چشمگیر تأثیرگذاری مجلس دهم در قبال قانون گذاری و موازی کاری در قانون گذاری توسط نهادهای دیگر.
۱۴	شرایط نامناسب اقتصادی و معیشتی و افزایش بی محابای قیمت ها و مایحتاج اساسی و ضروری زندگی مردم
۱۴	بی تفاوتی و سرخوردگی عرصه عمومی و جامعه نسبت به جریان های سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا و انتخابات
۱۵	محافظه کاری، عدم جسارت و امتناع نمایندگان مجلس از بیان مسائل و مشکلات حوزه انتخابیه و واقعیت های کشور.
۱۶	وجود رانت و فسادهای مالی و اقتصادی و سیاسی در بین صاحبان نفوذ و سرمایه و بعضی از مسئولین و مدیران
۱۷	دخالت و ورود جانبدارانه و غیر کارشناسی نمایندگان مجلس دهم در عزل و نصب استانداران، معاونین استاندار، فرمانداران، معاونین فرماندار و بخشداران و مدیران شهرستان ها و بخش ها.
۱۸	عواقب ناشی از افزایش ناگهانی قیمت بنزین و تأثیر آن بر افزایش هزینه های اقتصادی و معیشتی
۱۹	قصورها و کوتاهی های دولت در تدبیر امور و عقب نشینی از شعارها و برنامه های انتخاباتی و بی اعتنایی به افکار عمومی.
۲۰	نظام انتخابات انعطاف ناپذیر و ناکارآمد به نیازهای روز انتخابات جامعه مردم سالار و انتخاب شوندگان پاسخگو و انتخاب کنندگان پرسشگر
۲۱	استیضاح های مصلحتی و کاسب کارانه معطوف به باج خواهی و باج دهی متقابل بین نمایندگان مجلس دهم شورای اسلامی و وزیران دولت.
۲۲	ایجاد فاصله طبقاتی عمیق و گسترش شکاف اقتصادی و سیاسی بین فقیر و غنی و برخوردار و غیر برخوردار در کشور
۲۳	خصوصی سازی اموال عمومی و واگذاری های سیاسی و سلیقه ای به بخش خصوصی
۲۴	کلی گویی نمایندگان مجلس دهم در نطق ها و غیر کارشناسی برخوردنمودن با مسائل فنی و تخصصی کشور.

۲۵	دخل و تصرف مجلس در افزایش بودجه ی مجلس و در تأمین و گسترش امکانات و امتیازات نمایندگان مجلس.
۲۶	نظام بوجه بندی نامناسب و نا عادلانه ی کشور در توزیع ثروت ملی و درآمدهای ملی و در توسعه کشور.
۲۷	شکل گیری تبلیغات تخریبی و عملیات روانی توسط مخالفان نظام در شبکه های اجتماعی و ماهواره ای مبنی بر «رای بی رای»
۲۸	جناحی و سیاسی عمل کردن نمایندگان مجلس دهم در قبال مصوبات، طرح ها و لوایح و مسائل و موضوعات مختلف ملی و منطقه ای و جهانی.
۲۹	ورود بعضی از نمایندگان مجلس در طول دوره نمایندگی به مسائل مالی و اقتصادی با صاحبان قدرت و سرمایه و وام دار شدن به اسپانسرها و میلیاردرها.
۳۰	استیلا ی منویات رئیس مجلس دهم بر دستورات، مصوبات، طرح ها، لوایح و اعضای کمیسیون ها و فراکسیون های مجلس

بر اساس رتبه بندی فریدمن: شاخص های «بی تفاوتی و کوتاهی نمایندگان مجلس دهم در قبال شعارها و ادعاهای نمایندگی و قانونگذاری و نظارت به عنوان دو وظیفه اصلی و مهم نمایندگی مجلس» و «رقابت سیاسی انتخاباتی غیر نهادمند و غیر مسالمت آمیز مبتنی بر حذف رقیب و ستیز بین جناح های سیاسی کشور». «شیوع و تداوم بیماری کرونا و نگرانی از پیامدهای مخرب آن بر حوزه سلامت و درمان و معیشت مردم». «خودتحریمی ناشی از بلا تکلیفی دو لایحه CFT و پالرمو از لوایح چهارگانه مربوط به FATF و عدم عضویت در FATF». «محدودیت رأی دهندگان در گزینش نامزدهای مطلوب خود در انتخابات مجلس یازدهم». «گسترش ایده تکاپوی برخی جریان های سیاسی برای حذف رقیب، کاهش مشارکت و یک دست سازی حاکمیت». «گسترش و تداوم ایده تشریفانی خواندن انتخابات و غیر موثر بودن رأی و حضور در انتخابات». «کم تحرکی جریان های سیاسی، احزاب، گروه ها و دیگر اجزای جامعه مدنی نسبت به سیاست و انتخابات». «تحریم های ظالمانه و تبعات تحمیل تحریم ها بر اقتصاد و سیاست و اجماع ملی و هزینه های اداره کشور» به ترتیب به عنوان هفت شاخص پیشتاز موثر در کاهش مشارکت انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی می باشند. سایر شاخص ها بر اساس آزمون فریدمن هم چنانکه جدول (۴) نشان می دهد به ترتیب تأثیر در رتبه های بعد قرار دارند.

۷. نتیجه‌گیری

در این تحقیق نشان داده شد که علت کاهش مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی به یک علت و عامل محدود نمی‌شود، بلکه تحت تأثیر مجموعه‌ای از علل و عوامل مختلف در حوزه‌ها و زمینه‌های گوناگون بنابر ماهیت و ذات انتخابات است. و علل و عوامل موثر در کاهش مشارکت در انتخابات به این دلیل که انتخابات از علل و عوامل زیادی تأثیر می‌گیرد و متعاقب آن تأثیر می‌گذارد همدیگر را پوش داده و تقویت نمودند. کمالینکه نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از شاخص‌های تحقیق در دو بخش توصیفی (فراوانی درصدها، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون t جهت مقایسه میانگین و آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی شاخص‌ها) نشان داد؛ که کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، تک‌علتی نیست. بلکه تابعه ترکیبی از علل و عوامل مختلف و در هم تنیده و متأثر از هم در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف با میزان تأثیر متفاوت است. که به اتفاق فضا و شرایط سیال حاکم بر زمان برگزاری انتخابات، همدیگر را از نظر «دال» شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات تقویت و پوشش دادند.

این تحقیق همچنین نشان داده شد که رابطه معناداری به نسبت متفاوت و نزدیک به هم در بین شاخص‌های کاهش مشارکت در انتخابات و میزان کاهش مشارکت سیاسی در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی وجود دارد. در واقع بین چگونگی کارکردهای هر یک از شاخص‌ها و میزان مشارکت در انتخابات رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. شاخص‌های بی‌تفاوتی و کوتاهی نمایندگان مجلس دهم در قبال شعارها و ادعاهای نمایندگی و قانونگذاری و نظارت به عنوان دو وظیفه اصلی و مهم نمایندگی مجلس. رقابت سیاسی انتخاباتی غیر نهادمند مبتنی بر ایده تکاپوی حذف رقیب و ستیز بین احزاب و جناح‌های سیاسی. شیوع و تداوم بیماری کرونا و نگرانی از پیامدهای مخرب آن بر سلامت، درمان و معیشت، خودتحریمی ناشی از بلا تکلیفی لایحه‌های CFT و پارمو و عدم عضویت در FATF. محدودیت رأی دهندگان درگزینه‌های نامزدهای مطلوب خود، تشریفانی دانستن انتخابات. اقتصاد و معیشت و تحریم‌ها و تبعات آن بر اقتصاد و سیاست و هزینه اداره کشور بیشترین تأثیر داشته‌اند. ضمن اینکه دیگر شاخص‌ها هم به نسبت نزدیک به

هم و تحت پوشش و تقویت هم در کاهش میزان مشارکت در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی موثر می باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی دوم اسفندماه در حالی برگزار شد که میزان مشارکت شهروندان سوالی بود که بعد از پایان رای گیری در شعب اخذ رای، در فضای سیاسی و رسانه ای مطرح شد. نهایتاً "عبدالرضا رحمانی فضلی" وزیر کشور میانگین مشارکت را ۵۷/۴۲ درصد عنوان کرد و گفت که ۲۴ میلیون و ۵۱۲ هزار و ۴۰۴ نفر از مجموع ۵۷ میلیون و ۹۱۸ هزار و ۱۵۹ نفر در انتخابات شرکت کردند. بیشترین درصد مشارکت در استان کهگیلویه و بویراحمد با ۷۱ درصد و کمترین مشارکت هم به استان تهران با ۲/۲۶ درصد مربوط است. این آمار پایین ترین سطح مشارکت در همه انتخابات برگزار شده مجلس در ۴۱ سال اخیر است. (ایرنا. کد خبر: 83687482)

کتاب‌نامه

کتاب‌ها

- احمدی، علی (۱۳۸۹). انتخابات در ایران: بررسی حقوقی و قانونی، تهران: نشر میزان.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: نشر قومس.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۹). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران: سیاست و حکومت در ایران، ۱۳۲۰-۱۳۵۷، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۵). انتخابات ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- بوتول، گاستون (۱۳۷۱)، جامعه شناسی سیاسی، چاپ اول، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش
- خان محمدی، یوسف (۱۳۹۲). فرهنگ سیاسی و رفتار انتخاباتی: مردم ایران چگونه در انتخابات ریاست جمهوری رأی می دهند؟، تهران: نشر خرسندی.

بررسی علل و عوامل کاهش ... (عبدالمطلب عبدالله و پرویز توکل نیا) ۱۷۵

- خسروی، حسن (۱۳۸۸). حقوق انتخابات دموکراتیک: اصول، مبانی و الگوهای مطلوب نظام انتخابات، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- دال، رابرت (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران: نشر مترجم
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه؛ منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت
- راش، مایکل (۱۳۸۸). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر سمت.
- رحیمی، غلامرضا (۱۳۹۲). آسیب شناسی انتخابات: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی، کرج: انتشارات فلاح.
- رژ، ریچارد (۱۳۹۰). دایره المعارف بین المللی انتخابات، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: میزان.
- رضازاده، محمد امین (۱۳۹۶). انتخابات: مشارکت سیاسی و منافع ملی، داخلی وزارت کشور، معاونت سیاسی، دفتر امور سیاسی.
- زرفشانی، محمد هادی (۱۳۹۴). مجموعه قوانین و مقررات انتخابات: مشتمل بر اصول قانون اساسی، نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان، قوانین و مقررات مربوط به همه پرسی و انتخابات مجلس خبرگان، تهران، نشر پژوهشکده شورای نگهبان .
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران، چاپ پنجم، تهران: نشر فروزان روز.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۶۸). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی
- عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۷۸). منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاضی، ابو الفضل (۱۳۸۲). بایسته های حقوق اساسی، جلد دوازدهم، تهران: نشر میزان.
- قاضی، ابو الفضل (۱۳۷۱). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی کلیات و مبانی، تهران: دانشگاه تهران.
- قرآن کریم
- قوام، عبدالعی (۱۳۷۴). نقد نظریه های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه شناسی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لغت ویج، آدریان (۱۳۸۵). دولت های توسعه گرا پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، ترجمه جواد افشارکهن، مشهد: انتشارات نینگار.
- مجدی نسب، محمد اسلام (۱۳۹۴). مشارکت سیاسی: چگونگی و چرایی، تهران: جامعه شناسان.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران
- میلبراث و گوئل، لسترولیل (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه سید رحیم ابوالحسنی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

مقالات

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). «بررسی تعاملات فرهنگ سیاسی و تحزب در ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۴.

افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). «چهره متغیر امنیت داخلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴ پرچمی، داوود (۱۳۸۶). «بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست جمهوری»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳

توکل نیا، پرویز؛ گلشنی، عیرضا و احمد آذین (۱۳۹۹). «بررسی رابطه انتخابات با قدرت نرم، امنیت نرم و نامنی»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۵۳.

عبدالمطلب، عبدالله و سیر امامی (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۸

فیرحی، داود (۱۳۷۷). «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره تابستان ۷۷.

قنبریان، محسن (۱۳۸۴). «انتخابات، حق یا تکلیف»، فصلنامه کتاب نقد، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰. کریمی مله، علی (۱۳۸۰). «پتانسیل تبدیل رقابت به منازعه سیاسی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳.

مسعود نیا، ابراهیم (۱۳۸۰). «تیین جامعه شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۶۸-۱۶۷.

ملکی، امیر (۱۳۸۴). «نگرش جوانان نسبت به مشارکت سیاسی زنان در سطح برگزیدگان سیاسی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵.

میرمحمدی، داوود (۱۳۸۰). «رهیافت نظری تحلیل رقابت سیاسی و مسأله وفاق اجتماعی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹.

فیرحی، داود (۱۳۸۵). «مفهوم مشارکت سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۱.

رساله‌ها

توکل نیا، پرویز (۱۳۹۷)، آسیب شناسی انتخابات ریاست جمهوری و راهکارهای اصلاح آسیب‌ها آن، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد شهرضا اصفهان

بررسی علل و عوامل کاهش ... (عبدالمطلب عبدالله و پرویز توکل نیا) ۱۷۷

Dahl, Robert. (1991) *Democracy and Its Critics*. Yale University Press.

Heelsum, A.V. (2002). "The Relationship between Political Participation and Civic Community Of Migrants in The Netherlands". *Journal of International Migration and Integration*, Vol. 3, No. 2, pp.179- 200

Robertson, David (1993); *A Dictionary of Modern Politics*, 2ed. London, Europa Publication Limited.

Sills, David (1968); *International Encyclopedia Of Social Sciences*, New York, Macmillan Company and the Free Press.